



## زنان نویسنده در گذشته

نگین پیری

دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی معدنی، دانشگاه زابل

[Neginpiri79@outlook.com](mailto:Neginpiri79@outlook.com)

## چکیده

از نقطه نظر زیست‌شناسی در همه جوامع دو جنس وجود دارد که پیوند آن دو بقا را تضمین می‌کند؛ در میان این جوامع، جامعه انسانی پا را فراتر می‌گذارد و جهت رشد و توسعه بعد فردی، ارتباطات اجتماعی را بنا می‌نهد. نویسندگی از جمله این روابط اجتماعی می‌باشد که علاوه بر توسعه بعد فردی گاه تحولاتی عظیم در جامعه پدید می‌آورد. در قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ میلادی که روابط نابرابر قدرت جاری میان زنان و مردان در نظام‌های اجتماعی وجود داشت؛ نویسندگان زنی پا به عرصه گذاشتند که توانستند جریان‌های فکری جدیدی را در جامعه به وجود آورند و با دریافت معتبرترین جوایز ادبی در لیست برترین نویسندگان جهان قرار گیرند. مقاله حاضر به بررسی برندگان زن جوایز ادبی در قرون ۱۹ و ۲۰ پرداخته است و همچنین جنبش فمینیسم که در نتیجه قلم نویسندگان زنی همچون دو بووار در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ پررنگ‌تر از پیش شد؛ را بررسی می‌کند. **واژگان کلیدی:** جوایز ادبی، فمینیسم، سیمون دو بووار، مری ولستون کرافت، ویرجینیا وولف.

## ۱- مقدمه

حضور زنان در هنر و ادبیات، در قرن‌های گذشته، شاید از لحاظ کمی قابل مقایسه با مردان نباشد اما حضوری به شدت باکیفیت بوده و زنان آنقدر اسم سنگینی در هنر و ادبیات برجا گذاشته‌اند که هیچ‌کس نمی‌تواند قدرتشان را کتمان کند. در نیمه قرن بیستم به بعد مخصوصاً قرن بیست و یکم، دیگر نمی‌توان به طور مشخص، خطی میان زنان و مردان نویسنده کشید. حضور هر دو چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی، پایاپای است و در رقابتی تنگاتنگ، مردان و زنان گوی سبقت را از یکدیگر می‌ریزند.

با این حال بر کسی پوشیده نیست که در طول تاریخ ادبیات، برخی زنان نویسنده تاثیر آثار و فعالیت‌هایشان بیشتر از دیگران بوده و جنبش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی را پدید آورده‌اند.

تا کنون در پژوهشی مستقیماً به زنان نویسنده در گذشته پرداخته نشده است و همواره نام نویسندگان زن در کنار نام نویسندگان مرد آورده شده است؛ همچنین در هیچ پژوهشی به سرگذشت زنان برنده جوایز برتر ادبی در کنار هم توجه نشده است. در بحث جریان‌های فکری غالباً اندیشه‌ی نویسندگان تاثیرگذار به صورت جداگانه بررسی شده است. در این پژوهش به زنان نویسنده برنده جوایز نوبل، من بوکر، ایمپک، هانس کریستین آندرسن و گنکور که از جمله جوایز معتبر ادبی هستند؛ از زمان پایه‌گذاری این جوایز تا پایان قرن بیستم در کنار هم پرداخته شده است و اندیشه مری ولستون کرافت، سیمون دو بووار و ویرجینیا وولف که از سرآمدان جنبش فمینیسم بوده‌اند؛ بررسی شده است.

## ۲- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش با توجه به هدف آن، بنیادی توصیفی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از تحقیقات انجام شده، کتب و اسناد است.



## ۳- یافته‌های تحقیق

جوایز ادبی معتبر ادبی به نویسندگانی اعطا شده است که علاوه بر توانایی در خلق آثار ادبی، توانایی درک شرایط و موقعیت جامعه خود را به بهترین شکل ممکن دارا بوده‌اند. این درک موقعیت و شناخت نقاط ضعف و قوت جامعه سبب گردیده تا نویسندگان بتوانند با قلم خود تحولی فکری، سیاسی و اجتماعی در نگاه جامعه به زنان ایجاد کند.

## ۴- زنان نویسنده در گذشته

جوایز ادبی مهم دنیا، به دلیل استمرار و نیز معیارهای مشخص انتخاب شده‌اند و تقدیر از آثار و نویسندگان، هرکدام به این دلیل که سلیقه خاصی را بی‌توجه به فرامتن‌های سیاسی - تبلیغاتی و... پوشش می‌دهند، جایگاهی تثبیت شده یافته‌اند؛ و به این دلیل هم برنده شدن اثر یا نویسنده‌ای در آنها می‌تواند در حکم اعتبار و افتخاری بزرگ برای آنان محسوب شود و به عبارت بهتر برنده را در مدت زمانی کوتاه بدل به یک برند در حرفه‌اش کند. جوایز ادبی مهم که در قالب‌های گوناگونی مانند پول نقد یا تندیس، مدال و سایر نمادهای اعتباری اغلب توسط نهادهای دولتی، فرهنگستان‌ها، انجمن‌های ادبی، بنیادها و یا اشخاص منفرد به آثار ادبی برگزیده شده داده می‌شوند، یکی از مهمترین راه‌های تشویق نویسندگان و شاعران به انجام فعالیت‌های ادبی و نیز یکی از محرک‌های اجتماعی برای گرم‌تر شدن بازار ادبیات به شمار می‌آیند. این را نیز باید اضافه کرد که این جوایز در سطوح گوناگونی وظیفه حمایت از نویسندگان را عهده‌دار می‌شوند. ارزش نقدی برخی جوایز ادبی آنچنان قابل توجه است که مابقی عمر نویسنده را تضمین می‌کند و این خود می‌تواند مرهمی بر دغدغه‌های فکری نویسنده شده و او را در خلق دیگر آثار برجسته و ماندگار کمک کند. اما همه چیز این جوایز در مبلغ جوایز نقدی خلاصه نمی‌شود. در واقع فارغ از جایزه نقدی بیشترین سود برخی جوایز از مطرح شدن نام نویسندگان به واسطه این جایزه‌ها و به تبع آن فروش بیشتر آثار و بالا رفتن میزان ترجمه آثار به نویسندگان می‌رسد. جایزه نوبل، جایزه من بوکر، جایزه ایمپک، جایزه هانس کریستین آندرسن و جایزه گنکور از جمله معتبرترین جوایز در حوزه ادبیات است. برنده شدن هر یک از جوایز معتبر ادبی برای نویسندگان دستاوری بزرگ محسوب می‌شود که زندگی حرفه‌ای آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ در طول تاریخ زمانی بوده اند که با قلم توانمند خود توانستند این جوایز را دریافت کنند و در لیست برترین نویسندگان قرار بگیرند. جایزه نوبل از معتبرترین جوایزی است که در حوزه علمی و ادبی توسط فرهنگستان پادشاهی علوم سوئد، موسسه کارولینسکا و کمیته نوبل نروژ به دانشمندان اعطا می‌شود. در سال ۱۹۰۱ میلادی نخستین جوایز این بنیاد داده شد؛ طبق وصیت آلفرد نوبل، پایه‌گذار بنیاد نوبل، پنج جایزه به‌طور سالانه در رشته‌های شیمی، فیزیک، فیزیولوژی یا پزشکی، صلح و ادبیات به افرادی تعلق می‌گیرد که بیشترین خدمت را به مردم کرده باشند. ششمین جایزه نوبل یعنی جایزه نوبل علوم اقتصادی در سال ۱۹۶۸ توسط بانک مرکزی سوئد پایه‌گذاری شد؛ که البته این جایزه در لیست جوایز مرتبط با بنیاد نوبل قرار نمی‌گیرد.

فرهنگستان پادشاهی علوم سوئد، اهدا جایزه نوبل شیمی و جایزه نوبل فیزیک را بر عهده دارد و اعطا جوایز نوبل علوم اقتصادی، فیزیولوژی یا پزشکی و صلح به ترتیب بر عهده بانک مرکزی سوئد، مجمع نوبل موسسه کارولینسکا سوئد و هیئت نوبل نروژ می‌باشد؛ همچنین جایزه نوبل ادبیات توسط آکادمی سوئد اعطا می‌شود. همان‌طور که بیان شد جایزه نوبل از جمله جوایز معتبر در رشته‌های شیمی، فیزیک، علوم اقتصادی، فیزیولوژی یا پزشکی، صلح و ادبیات می‌باشد. بی‌شک دریافت این جایزه از جمله دستاوردهای مهم زندگی یک انسان محسوب می‌شود. از سال ۱۹۰۱ میلادی تا سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۱۷ نفر در رشته ادبیات موفق به دریافت جایزه نوبل شدند که از میان ۱۵ نفر زن بودند؛ سلما لاگرلوف، گراتزیا کوزیما دلدا، سیگرید اوندست و پرل باک از جمله زنان مطرح قرن بیستم بودند که موفق به کسب جایزه نوبل شدند؛ به همین جهت در ادامه به بررسی سرگذشت هر یک پرداخته شده است. سلما لاگرلوف، رمان‌نویس سوئدی، ۲۰ نوامبر ۱۸۵۸ در ورملاند سوئد به دنیا آمد و در ۱۶ مارس ۱۹۴۰ در همان جا درگذشت. وی به جهت آرمان‌گرایی بلند، تخیل زنده و ادراک معنوی که مشخصه نوشته‌های او می‌باشد در سال ۱۹۰۹ نخستین زنی بود که موفق به دریافت جایزه نوبل در رشته ادبیات شد. اولین رمان وی «افسانه یوستا برلینگ» بود که رشته داستان‌هایی تخیلی درباره



کشیشی مخلوع به نام یوستا برلینگ است و در سال ۱۸۹۱ چاپ شد. یکی دیگر از آثار شناخته شده و معروف او «ماجراهای شگفت‌انگیز نیلس» است که از جمله کتاب‌های ادبیات کلاسیک کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود. (مولوی، ۱۳۷۵) آثار لاگروف شامل رمان، داستان کوتاه، سفرنامه، زندگینامه و نمایشنامه‌هایی است که با تأکید بر مسئولیت شخصی و مسیحیت غیر جزمی در مقابل ناتورالیسم رایج آن دوران قرار می‌گیرند. در داستان‌های او گرچه از توصیفات رئالیستی پیروی می‌شود، نشانه‌هایی از تأثیر رمانتیسم، انجیل و توماس کارلایل نیز به چشم می‌خورد. (همان)

نویسنده بعدی گراتزیا کوزیما دلدا است که در ۲۷ سپتامبر ۱۸۷۱ در شهر نوئورو در جزیره‌ی ساردنی در خانواده‌ای از طبقه‌ی متوسط به دنیا آمد. زنان در جامعه عقب‌افتاده‌ای مانند ساردنی قرن نوزدهم وضعیت مناسبی برای تحصیل و فعالیت اجتماعی نداشتند برای همین گراتزیا تا سوم ابتدایی بیشتر درس نخواند؛ سپس تحت تعلیمات خصوصی معلمی در خانه عمه خود که مملو از کتاب بود به تحصیلات خود ادامه داد و به مطالعه آثار نویسندگان فرانسوی و روس پرداخت. و در همان حال ادبیات ایتالیایی و به خصوص آثار گابریله دانونتیو، شاعر و نویسنده‌ی معاصر خود، را می‌خواند. (فرزانه، ۱۳۸۴)

دلدا در آخرین سال‌های قرن نوزدهم، ۱۸۹۶ با انتشار نخستین رمانش، «راه خطا»، به شهرت رسید. او خیلی زود به نویسنده‌ای پرکار تبدیل شد و در فاصله سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۹ تقریباً هر سال یک کتاب منتشر کرد. تا اینکه در ۱۹۲۶ برنده جایزه‌ی نوبل ادبیات شد و تا کنون هیچ زن ایتالیایی دیگری نتوانسته‌است این جایزه را کسب کند. (همان) دلدا به جهت نوشته‌های الهام بخش که با تصویر واضح و تغییر پذیر زندگی او در جزیره زادگاه‌اش و هم‌دردی با مشکلات کلی بشر در سال ۱۹۲۶ موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل ادبیات شد.

از دیگر زنان برنده جایزه‌ی نوبل ادبیات می‌توان سیگرید اوندست نروژی که در سال ۱۹۲۸ به علت توصیف‌های بی‌نظیر خود از زندگی در قرون وسطی نام برد؛ اوندست در سال ۱۸۸۲ در دانمارک دیده به جهان گشود. هنگامی که دو سال داشت به همراه خانواده به نروژ مهاجرت کرد و در سال ۱۹۴۰ به علت حمله آلمان به نروژ از این کشور فرار کرد و به ایالات متحده آمریکا رفت و در نهایت با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ به کشور خود بازگشت. بهترین اثر ادبی وی «کتاب کریستین لاورانسداتر» می‌باشد که ماجرای زندگی سه‌گانه در اسکاندیناوی در قرون وسطی و زندگی یک زن از زمان تولد تا زمان مرگ را به تصویر می‌کشد؛ سه جلد این کتاب بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۲ منتشر شد.

پرل کامفورت سیندنستریکر باک آمریکایی در ۲۶ ژوئن ۱۸۹۲ در ویرجینیا غربی به دنیا آمد و از جمله زنان برنده جایزه‌ی نوبل است که در سال ۱۹۳۸ به علت توصیف غنی و حماسی از زندگی روستایی در چین موفق به دریافت این جایزه شد. او از سه ماهگی تا ۴۱ سالگی را در چین زندگی کرد و زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم آموخت؛ پرل باک در چین با نام سای ژن ژو شناخته می‌شود؛ همچنین این نویسنده در سال ۱۹۳۲ به خاطر کتاب «خاک خوب» برنده جایزه‌ی پولیتزر را برای بهترین رمان سال دریافت کرد. کتاب «مادر» نوشته پرل باک که منجر به کسب درجه افتخاری M.A از دانشگاه ییل و دریافت جایزه نوبل برای او شد در سال ۱۳۸۶ شمسی توسط محمد قاضی به فارسی برگردانده شد. (قاضی، ۱۳۸۶)

جایزه‌ی ادبی من بوکر که از سال ۱۹۶۹ تا کنون در هر دوره به یک اثر برگزیده دنیای ادبیات اعطا می‌شود؛ از دیگر جوایز معتبر در حوزه‌ی ادبی به شمار می‌رود. این جایزه در آغاز فقط به نویسندگان اهل کشورهای مشترک‌المنافع، زیمبابوه و ایرلند اختصاص داشت؛ اما از سال ۲۰۱۴ با اضافه شدن بخش جهانی، پذیرای کلیه آثار ادبی است که به زبان انگلیسی نوشته یا ترجمه شده باشند. جایزه نقدی ۵۰هزارپوندی من بوکر در بخش جهانی به‌طور مساوی بین نویسنده و مترجم تقسیم می‌شود. انتخاب نامزدهای دریافت این جایزه ترتیب خاصی دارد. ابتدا گروهی شامل دو ناشر، یک کتابدار، یک کتاب‌فروش، یک نماینده‌ی ادبی و یک رئیس به‌انتخاب بنیاد من بوکر تشکیل می‌شود. سپس این گروه (کمیته) مجموعه‌ای از داوران را انتخاب می‌کنند. این داوران معمولاً از بین نویسندگان، منتقدان حوزه‌ی ادبیات یا شخصیت‌های برجسته گزینش می‌شوند. فهرست نامزدهای انتخابی داوران برای جایزه‌ی من بوکر شامل شش نفر

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



است. از بین این افراد، یک نفر به عنوان برنده‌ی نهایی انتخاب می‌شود. قاعده اهدای جوایز به این صورت است که علاوه بر برنده، که جایزه اصلی به او تعلق می‌گیرد، به تمام شش نامزد انتخابی هم مبلغ ۲۵۰۰ پوند اهدا می‌شود. تا سال ۲۰۱۶، برگزاری این جایزه به صورت دو سال یک بار بود. از این سال به بعد، من بوکر سالانه برگزار می‌شود. هر ناشر می‌تواند تا دو عنوان کتاب جدید (چاپ همان سال) را به بنیاد بوکر معرفی کند. به علاوه، کتاب نویسندگانی که قبلاً جایزه‌ی بوکر را گرفته‌اند یا در ۱۰ سال گذشته جز فهرست نهایی آن بوده‌اند نیز بررسی می‌شود. ناشران می‌توانند تا پنج عنوان کتاب دیگر را برای بررسی ارائه کنند. داوران موظف هستند هشت تا دوازده عنوان از این کتاب‌ها را درخواست کنند تا در فهرست آثار مورد بررسی قرار گیرد. یک وجه تمایز بزرگ جایزه‌ی بوکر با دیگر جوایز ادبی در این است که داوران همه‌ی آثار معرفی شده را می‌خوانند. فهرست کتاب‌های معرفی شده، کاملاً محرمانه می‌باشد. زنان مطرح برنده این جایزه در قرن بیستم عبارتند از:

نادین گوردیمر نویسنده و فعال سیاسی اهل آفریقا جنوبی بود؛ این نویسنده یکی از چهره‌های سرشناس ادبیات جهان علیه آپارتاید بود گوردیمر در اکثر آثارش به مفاهیم اجتماعی و سیاسی به‌ویژه مسئله‌ی آپارتاید پرداخته و حتی در زمان برقراری آن رژیم، یکی از اعضای کنگره ملی آفریقا بود. برخی از آثار او مانند خانواده ژوئیه نیز در شمار آثار ممنوعه قرار داشته‌است. نادین گوردیمر در مجموع ۱۵ رمان، بیش از ۲۰۰ داستان کوتاه و نوشته‌های پژوهشی بی‌شمار از خود به جای گذاشته‌است. این نویسنده در سال ۱۹۷۴ برای «کتاب محافظه‌کار» برنده جایزه‌ی بوکر شد؛ همچنین در سال ۱۹۹۱ نیز موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل شد.

سوزانا اروناتای روی از زنان برنده جایزه بوکر می‌باشد. این نویسنده و فعال سیاسی اهل هند به جهت دفاع از حقوق بشر و فمینیست بودن مشهور می‌باشد؛ اروناتای روی برای «کتاب خدای چیزهای کوچک» در سال ۱۹۹۸ برنده‌ی جایزه‌ی من بوکر شد.

از دیگر جوایز معتبر جایزه ایمپک است؛ جایزه‌ی ایمپک (IMPAC) را کتابخانه ملی دوبلین در سال ۱۹۹۴ طراحی کرد و یکی از جوایز بین‌المللی ادبیات می‌باشد که در هر سال به یک کتاب داستانی به زبان انگلیسی تعلق می‌گیرد. این جایزه جهانی روشی فراگیر برای انتخاب و ارزیابی کتاب‌های برتر دارد؛ ابتدا تعداد زیادی از کتابخانه‌های سراسر جهان کتاب‌هایی را برای نامزدی معرفی می‌کنند، سپس داوران در مرحله نخست ۱۰ نامزد پایانی را و در نهایت گزینه برتر را معرفی می‌کنند. جایزه نقدی ایمپک مبلغ چشمگیر ۱۰۰ هزار یورو است و یکی از گران‌ترین جوایز ادبی است که سالانه به یک نفر پرداخت می‌شود که اگر کتاب از زبانی دیگر به انگلیسی ترجمه شده باشد، سه‌چهارم مبلغ به نویسنده و باقی به مترجم اثر پرداخت می‌شود. از زمان طراحی جایزه‌ی ایمپک تا پایان قرن بیستم فقط یک زن توانست این جایزه‌ی ادبی را دریافت کند.

هرتا مولر نویسنده، شاعر و مقاله‌نویس رومانیایی تبار آلمانی و تنها زنی است که در قرن بیستم موفق به دریافت جایزه ایمپک شد. مولر در ۱۷ اوت ۱۹۵۳ در تیمیش رومانی به دنیا آمد. جنگ جهانی دوم و حکومت کمونیستی رومانی را تجربه کرد و به علت عدم همکاری با نیروی امنیتی رومانی بارها به مرگ تهدید شد؛ به همین جهت در سال ۱۹۸۷ به آلمان مهاجرت کرد و تاکنون در این کشور زندگی می‌کند. (ترنم، ۱۳۸۹: ۵) هرتا مولر در سال ۱۹۹۸ جایزه‌ی ایمپک و در سال ۲۰۰۹ جایزه‌ی نوبل را برای «کتاب سرزمین گوجه‌های سبز» دریافت کرد. کتاب سرزمین گوجه‌های سبز نخستین بار در سال ۱۹۹۴ منتشر شد. (همان) مولر برای نوشتن این کتاب از زندگی دوست رومانیایی خود الهام گرفته است. داستان این کتاب درباره‌ی چهار جوان دانشجوی رومانیایی است که در رژیم دیکتاتور چائوشسکو در رومانی زندگی می‌کنند و می‌خواهند قبل از مردن توسط حکومت به آلمان فرار کنند. رمان تصویری مخوف از کشوری است که قرار بود بهشتی باشد علیه امپریالیسم؛ و سرشار از آزادی‌ها و برابری‌هایی که بی‌عدالتی را ریشه‌کن می‌کند؛ اما اینک سرزمینی شده پر از ترس و خیانت. سرزمینی که خون می‌خورد، خیانت می‌کند و جز شایعه پراکنی درباره‌ی دیکتاتور سرگرمی دیگری ندارد.

از دیگر جوایز معتبر ادبی می‌توان جایزه‌ی هانس کریستین آندرسن یا نوبل کوچک را نام برد. این جایزه معتبرترین جایزه‌ی ادبی و هنری در حوزه ادبیات کودکان است که از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان به منظور بالا بردن سطح ادبی و هنری کتاب‌های کودکان هر دو سال یک بار، به مجموعه آثار یک نویسنده و یک تصویرگر داده می‌شود. مارگریت دوم، ملکه دانمارک، حامی و



مشوق ویژه اهدای این جایزه است. پشتیبان مالی برنامه‌های جایزه اندرسن تا سال ۲۰۰۸ نیسان موتور ژاپن و از سال ۲۰۰۹ جزیره نامی در کره جنوبی است. اهدای این جایزه به مجموعه آثار یک نویسنده از سال ۱۹۵۶ و به مجموعه آثار یک تصویرگر از سال ۱۹۶۶ آغاز شده است. این جایزه شامل یک مدال طلا و یک دیپلم افتخار است که در مراسمی در کنگره IBBY، به برندگان اهدا می‌شود. نامزدهای جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن از سوی دفاتر ملی کاندید می‌شوند و داوران بین‌المللی که از کارشناسان برجسته ادبیات کودکان هستند، برندگان این جایزه را از میان نامزدهای معرفی شده برمی‌گزینند. از جمله معیارهای گزینش برندگان می‌توان به کیفیت بالای زیبایی شناختی آثار نویسنده و تصویرگر، در نظر گرفتن مخاطب کودک، خلاقیت و نوآوری و اصالت و مهم تر از همه داشتن سهم جاودان در ادبیات کودکان جهان اشاره کرد.

تووه ماریکا یانسون نویسنده و تصویرگر کتاب کودکان، رمان‌نویس و نویسنده‌ی داستان‌های مصور در ۹ اوت ۱۹۱۴ در فنلاند دیده به جهان گشود. وی بیشتر برای خلق «دنیای مومین‌ها» شناخته می‌شود، یانسون نخستین کتاب از مجموعه نه جلدی مومین‌ها را در سال ۱۹۴۵ منتشر کرد. یانسون در سال ۶/۱۹۶ به جهت فعالیت‌هایش در زمینه ادبیات کودک جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن را دریافت نمود. (دیل هویبرگ، ۲۰۱۳)

پاتریشا رایتسون با نام اصلی آلیس پاتریشا فلانگر نویسنده و ویراستار استرالیایی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۱ به دنیا آمد. نخستین کتاب او یعنی «مار حقه باز» در سال ۱۹۶۵ برنده جایزه‌ی شورای کتاب کودک استرالیا شد. رایتسون در سال ۱۹۷۰ برای «کتاب من صاحب زمین مسابقه‌ام»، در سال ۱۹۷۴ برای «کتاب نارگان و ستارگان» و در سال ۱۹۷۸ برای «کتاب یخ» می‌آید، جایزه‌ی سال استرالیا را به دست آورد. او در سال ۱۹۸۴ برنده‌ی جایزه هانس کریستین اندرسن، بزرگ‌ترین جایزه‌ی بین‌المللی ادبیات کودک و نوجوان شد.

آسترید آنا امیلیا لیندگرن نویسنده‌ی سوئدی کتاب‌های کودکان و نوجوانان بود که تعداد زیادی از کتاب‌هایش به ۸۵ زبان زنده‌ی دنیا ترجمه و در بیش از ۱۰۰ کشور جهان منتشر شده‌است. این نویسنده در سال ۱۹۵۸ دومین برنده جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن شد.

جایزه‌ی گنکور از دیگر جوایز معتبر ادبی است که بنیان جایزه‌ی ادبی گنکور پیرو وصیت ادموند دو گنکور (Edmond de Goncourt) در سال ۱۸۹۶ نهاده شد. گنکور که به‌طور رسمی از سال ۱۹۰۲ انتخاب برگزیدگان را آغاز کرده است، هر سال بهترین اثر ادبی فرانسوی را انتخاب می‌کند. این جایزه در ۵ بخش بهترین اثر داستانی، رمان اول، داستان کوتاه، شعر و زندگی‌نامه اعطا می‌شود. جایزه‌ی گنکور هر ساله نصیب «بهترین کتاب داستانی» می‌شود که طی «همان سال» منتشر شده باشد. آکادمی گنکور که بیش از صد سال سابقه فعالیت دارد، علاوه بر جایزه اصلی خود که هر سال در ماه نوامبر اهدا می‌شود و مهم‌ترین و معتبرترین جایزه ادبی فرانسه به‌شمار می‌آید، جوایز جانبی دیگری نیز دارد که عبارتند از: جایزه‌ی گنکور برای اولین رمان، جایزه‌ی گنکور دبیرستانی‌ها، جایزه‌ی گنکور داستان کوتاه، جایزه‌ی گنکور شعر، جایزه‌ی گنکور زندگی‌نامه‌نویسی و جوایز گنکور به انتخاب برخی کشورها مثل بلژیک، سوئیس، تونس، ایتالیا، رومانی و جایزه‌ی گنکور کشورهای خاورمیانه از جمله ایران.

الزا تریوله یا الا کاگان در ۲۴ سپتامبر در مسکو متولد شد. وی از مبارزان نهضت مقاومت فرانسه بود و توانست در سال ۱۹۴۴ برای «کتاب هزینه اولین ضربه ۲۰۰ فرانک» جایزه‌ی کنگو را دریافت کند.

سیمون دوبووار نویسنده، روشنفکر، فیلسوف اگزیستانسیالیست، فعال اجتماعی، فمینیست و نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی‌می‌باشد. دوبووار در ۹ ژانویه ۱۹۰۸ در کشور فرانسه در شهر پاریس خانوادگی کاتولیک به دنیا آمد. (یزدخواستی، ۱۳۸۴) دوبووار که از او به عنوان مادر فمینیسم نیز یاد می‌شود؛ در موج دوم جریان فمینیسم نقش به‌سزایی داشت.



# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانوادگی و مدرسه

جریان فمینیسم جنبشی سازمان یافته است که در اوایل قرن بیستم میلادی برای دفاع از حقوق زنان و موقعیت آنان در برابر نظام مستبدانه مردسالاری و از بین بردن سیطره تبعیض جنسیتی به وجود آمد. ( غیبی و همکاران، ۱۳۹۸) جریان فمینیسم پس از انقلاب فرانسه دارای ۳ موج بود: موج اول معروف به موج قدیم و هدف آن حفظ رای زنان بود که پس از ولستون کرافت، جان استوارت میل با همکاری هری تیلور «کتاب انقیاد زنان» را به نگارش درآورد. سیمون دوبووار، مادر فمینیسم با نوشتن «کتاب جنس دوم» و بتی فریدن با نگارش «کتاب زن فریب خورده» تاثیر به سزایی در برانگیختن موج دوم داشتند. در این میان، آثار ویرجینیا وولف آغازگر مطالعه فمینیستی بی وقفه ای درباره موانع و مشکلاتی بود که بر سر راه زنان وجود داشت تا حقوق آنان به رسمیت شناخته شود. موج سوم که در اواخر قرن بیستم شکل گرفت، هدفش تاکید بر مسئله تفاوت و نابرابریهای نژادی و اقتصادی بود اما این جریان با مشکلات زیادی مواجه شد و در نتیجه به سرازیری انحطاط افتاد. سیمون دوبووار فیلسوف فمینیست، رمان نویس و نظریه پردازی است که سهم درخوری در بسط و تبیین فمینیسم داشت و او را مظهر زن روشن فکر قرن بیستم خوانده اند. ( همان) در فرانسه سیمون دوبووار، مادر فمینیسم، بعد از ۱۹۶۸ شناخته شد. او در رمان های خود به دفاع از زن و انتقاد از ستم علیه او می پردازد و از مقهور بودن و افسون شدن زن در برابر مرد سخن می گوید و افکار و اندیشه هایش درباره آزادی زنان به صراحت بیان می کند. ( همان)

«ماندارین ها» عنوان کتابی است که توسط دوبووار درست پس از پایان جنگ جهانی دوم نوشته شد و در سال ۱۹۵۴ چاپ شد؛ دوبووار با نگارش این کتاب توانست برنده ی بزرگترین جایزه ی ادبی فرانسه، گنکور، شود. کتاب به زندگی شخصی فیلسوفان و دوستان سارتر و دوبووار در محفل خصوصی شان می پردازد. از جمله روابط دوبووار با نویسنده ی آمریکایی نلسون آلگرن که این کتاب به او پیشکش شده است. با صراحتی که دوبووار در ماندارین ها و اتوبیوگرافی هایش در مورد روابط خود با آلگرن به کار برد، موجب شرم-ساری آلگرن شد. به همین جهت آلگرن خود بر ترجمه های آمریکایی آثار دوبووار نظارت کرد. مکتوبات بسیاری که به این دوره از زندگی دوبووار مربوط بود تنها پس از مرگش به حوزه عمومی راه یافتند. از جمله نامه های عاشقانه ای که به نلسون آلگرن نوشته بود

جوایز ادبی دنیا محدود به این موارد نمی شوند، اما می توان این جوایز را معتبرترین دانست؛ جوایزی که نامشان کنار نام نویسنده یا اثر ادبی نقش چشمگیری در موفقیت تجاری و حرفه ای صاحب اثر خواهد داشت. جوایز ادبی دیگری هم وجود دارند که از نظر پوشش سبک، زبان و منطقه به گستردگی جوایزی که معرفی شد؛ نیستند؛ مثل جایزه ادبی ادگار آلن پو که به برترین داستان های رازآلود جایزه می دهد یا جایزه کتاب شیخ زاید که داستان های نویسندگان عرب زبان را ارزیابی می کند. بدیهی است که تنها برندگان این جوایز برترین نویسندگان جهان را تشکیل نمی دهند چه بسیارند نویسندگانی که با قلم و تصویرسازی های بدیع خود نگرشی جدید را بنا نهاده اند و نامشان در طول تاریخ ماندگار شده است. زنان نویسنده هم از این قاعده مستثنی نبوده اند و در طول تاریخ بشر باعث تغییر برخی از دیدگاه ها و یا ایجاد نگرشی نو بوده اند.

جین اوستن که غالباً او را با «کتاب غرور و تعصب» می شناسند؛ در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ به دنیا آمد. شناخت او از زندگی زن ها و مهارتش در گوشه و کنایه ها، او را به یکی از مشهورترین رمان نویسان عصر خود تبدیل کرده است و تا دهه ۱۸۷۰ به عنوان یکی از شخصیت های برجسته ادبیات انگلیس شناخته می شود که البته در پایان قرن نوزدهم نام وی را در بین رمان نویسان بزرگ قرار دادند. ( رحمانی، ۱۳۹۵) رمان غرور و تعصب به کنکاش شخصیت ها می پردازد و به شناخت فرهنگ، روابط اجتماعی، سنت ها و آگاهی دادن به مخاطب توجه دارد. شخصیت ها در این گونه رمان ها به دنبال حوادث عجیب و رویدادهای غیر منتظره نیستند؛ آن ها متحول می شوند و به شناخت خود و جامعه ی پیرامون شان کمک می کنند. ( همان) معروف ترین اثر جین اوستن چیزی بیش از یک کمدی رفتار درباره ی بازار ازدواج و شگردهای نفوذ به طبقه ی اشراف در انگلستان قرن نوزدهم است. غرور و تعصب همچنان یکی از ماندگارترین آثار در ادبیات انگلستان محسوب می شود. صرف نظر از لذتی که مخاطب از تماشای جرعه های عشق بین الیزابت بنت و آقای دارسی می برد، دلیل مهم علاقه ی خوانندگان به این اثر، توصیف صادقانه ی اوستن از شخصیت انسان با همه ی زشتی ها و زیبایی هایش است. کتاب غرور و تعصب، درس غلبه بر اختلافات شخصیتی و طبقاتی، درس سخت نگرفتن زندگی و درس عشق به معشوق با همه ی خوبی ها و



بدی‌هایش را یادآوری می‌کند. سیر تدریجی تحولات شخصیت‌ها در این رمان و تلاش برای بدل شدن به انسانی موفق در ارتباط با دیگران مخاطب را به جست‌وجو در ویژگی‌های شخصیتی خود وامی‌دارد.

همان‌طور که بیان شد جریان فمینیسم که در قرن هیجدهم، سال ۱۷۹۲، پس از انقلاب فرانسه ظهور کرد؛ ( غیبی و همکاران، ۱۳۹۸ ) دارای ۳ موج بود؛ مری ولستون کرافت را می‌توان به عنوان تأثیرگذارترین فرد در موج اول این جریان دانست .

مری ولستون کرافت از جمله زنانی است که اندیشه فمینیست را دنبال می‌کرد؛ وی را نخستین فمینیست انگلستان خوانده‌اند. مری ولستون کرافت از نویسندگان و فیلسوفان قرن هیجدهم بریتانیا بود. او هوادار برابری اجتماعی و آموزشی برای زنان بود. اثر مشهور وی «حقوق زنان» که در سال ۱۷۹۲ منتشر گردید از متون کلاسیک فمینیستی محسوب می‌شود. او رمان‌ها و مقالات متعدد و همچنین سفرنامه و تاریخ انقلاب فرانسه را نگاشته است. مری ولستون کرافت مدتی را به معلمی پرداخت و چند کتاب از جمله رمان «ماری: یک داستان» را منتشر کرد. پس از آن در موسسه انتشاراتی جیمز جانسون که ناشرش بود؛ مشغول به کار شد. با آغاز انقلاب کبیر فرانسه مری در سال ۱۷۹۲ به پاریس رفت تا شاهد انقلاب باشد. در آنجا با گیلبرت ایملی که سروان آمریکایی بود زندگی کرد و نخستین دخترش فانی ایملی را در بهار ۱۷۹۴ به دنیا آورد. رابطه آن‌ها تا سال بعد به تیرگی گرایید و مری خودکشی ناموفقی داشت. پس از آن به لندن بازگشت و دوباره به کار موسسه انتشاراتی جانسون پرداخت. جانسون گروه انقلابی با نفوذی را نیز هدایت می‌کرد و مری به عضویت این گروه درآمد. اشتیاق شدید به حقوق طبیعی در اواخر سده هیجدهم، برخی از افراد را به ناچار به طرح مسئله حقوق زنان سوق داد؛ مری در پاسخ به تاملاتی در باب انقلاب فرانسه نوشته ادموند برک کتاب «دفاع از حقوق انسان‌ها» را نوشت که در آن ادعا کرد: « حقی که یک انسان در بدو تولد از آن برخوردار است درجه‌ای از آزادی، تمدن و دین است که با آزادی دیگر اشخاصی که با او در جامعه زندگی می‌کنند؛ سازگار است.» دو سال بعد احقاق حقوق زنان را به چاپ رساند. وی در آنجا می‌پرسد: « تصور کنید... آیا وقتی مردان از آزادی خود راضی و خشنودند... این رضایت ظلمی در حق زنان مطیع نیست؟» نظر او درباره حقوق زنان، کاملاً بر مبنای اصطلاحات آزادی‌خواهانه برابری و حقوق طبیعی بنا شده است. ( آبوت و والاس، ۱۳۸۵) مری ولستون کرافت با نوشتن کتاب حقانیت حقوق زنان ( احقاق حقوق زنان ) در سال ۱۷۹۲ شاخص‌ترین فردی است که توانسته است در این دوران فمینیسم را مطرح کند. ( غیبی و همکاران، ۱۳۹۸) پس از کرافت، سیمون دوبووار که از او به عنوان مادر فمینیسم یاد می‌شود با نوشتن کتاب جنس دوم، موج دوم فمینیسم را برانگیخت. سیمون دوبووار در ابتدا با نگرش طبیعت‌گرایی و بازتولیدی، موضوع جنس را مطرح می‌کند، اما در مرحله دوم و در قالب جنسیت، واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و شخصی، نظرات او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این جمله معروف را بیان می‌کند که «ما زن به دنیا نمی‌آییم، بلکه زن می‌شویم» این جمله نشانگر تحمیل فرهنگ جامعه بر زنان و اهمیت تسلط فرهنگی آن بر علم و پیشرفت و توسعه انسان‌ها است، اما بایستی منتظر بمانیم تا سال ۱۹۷۰ زمانی که مردم شناسان فمینیسم آمریکایی در صدد برآمدند تا حقوق زنان را در مسائل مختلف اجتماعی لحاظ کنند؛ در این شرایط کلمه جنسیت به مفهوم نقش اجتماعی بین این‌ها و آن‌ها ( زنان و مردان ) در برابر واژه جنس که مفهوم طبیعی و بیولوژیک است، مطرح شد. این معنای اصطلاح جدید همان مفهومی است که سیمون دوباره در جمله « زن به دنیا نیامده ایم » مطرح کرده است و نهایتاً عامل فرهنگی جامعه خود را سرنوشت افراد تعیین‌کننده دانسته است. ( یزدخواستی، ۱۳۸۴) جنس دوم به مثابه اثری از اگزیستانسیالیسم فمینیستی که انقلابی اخلاقی را توضیح می‌دهد در فرانسه منتشر شد. دوبووار به عنوان یک اگزیستانسیالیست به تقدم اصالت وجود باور داشت. لذا می‌گفت انسان زن آفریده نمی‌شود بلکه زن می‌شود. مطالعات او بر مفهوم «دیگری» فوکوس می‌کند. دوبووار ساختار اجتماعی زن را به مثابه دیگری جوهری مذکر و عامل بنیادی تعدی به زنان معرفی می‌کند. دوبووار ادعا کرد که زنان نیز چون مردان مستعد برگزیدن هستند، لذا می‌توانند با کناره گرفتن از باور به حضور روح الهی در جهان مادی، ارتقای خود را انتخاب کنند. دوبووار به زنانگی ازلی اشاره می‌کند. چیزی که این عبارت بیان می‌کند، نوعی موجودیت روحانی است که تمام زنان را به هم وصل می‌کند. او از این بحث می‌کند که زنان به شکلی تاریخی منحرف در نظر گرفته شده‌اند. حتی ماری ولستون کرافت مردان را موجوداتی آرمانی تلقی کرده که زنان باید در آرزوی دستیابی به مرتبت آنان باشند. دوبووار معتقد بود که یادآوری این احساس که زنان انحرافی از طبیعت بوده‌اند و همیشه



موفقیت های آن‌ها را محدود می‌سازد. و برای ترقی فمینیسم باید این انگاره را کنار گذاشت. موضوع کلیدی حرکت فمینیستی دهه ۷۰ مستقیماً به ایده‌هایی مربوط بود که جنسیت را به مثابه ساختی اجتماعی در جنس دوم دوبرووار نمایانده بود. سیمون دوبرووار با وجود سهم عمده‌ای که در حرکت فمینیستی به خصوص حرکت آزادی زنان فرانسه و باور آنها به استقلال اقتصادی و آموزش برابر زنان داشت، ابتدا از فمینیست خوانده شدن اکراه داشت. ولی پس از مشاهده تجدید حیات این جریان در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ اذعان کرد که دیگر به این که یک انقلاب سوسیالیستی به قدر کافی بتواند آزادی را برای زنان به ارمغان بیاورد؛ ایمان ندارد. اودر سال ۱۹۷۲ در مصاحبه‌ای که با نوول آبرواتوار داشت، آشکارا خود را یک فمینیست معرفی کرد. دوبرووار در رمان‌هایش از مزیت زن جاودانگی صرف نظر می‌کند و بر استعداد برابر زن و مرد که ساحت هستی شناختی مشترک مستقل از جنسیت بنا شده است، تاکید دارد. (غیبی و همکاران، ۱۳۹۸) وی تصویر زیبا از مادر در رمانش ترسیم می‌کند و ارزش و مقام او را می‌ستاید. (همان)

پس از مری ولستون کرافت و سیمون دوبرووار، آدلاین ویرجینیا وولف بانوی رمان‌نویس، مقاله‌نویس، ناشر، منتقد انگلیسی ادامه دهنده جریان فمینیسم بود. ویرجینیا وولف نویسنده رمان‌های تجربی است که سعی در تشریح واقعیت‌های درونی انسان دارد. نظرات فمینیستی وی که از روح حساس و انتقادی او سرچشمه گرفته، در دهه ششم قرن بیستم تحولی در نظریات جنبش زنان پدید آورد. وی در نگارش از سبک سیال ذهن بهره گرفته است. کتاب «اتاقی از آن خود» وولف در کلاس‌های آیین نگارش پایه‌های مختلف تحصیلی دانشگاهی تدریس می‌شود. علاوه بر اهمیت شیوه نگارشی آن، این کتاب ویژگی‌ها نثر مدرنیستی را در مقاله‌نویسی وارد کرده و سبک جدیدی ایجاد کرده است. گذشته از این، اتاقی از آن خود شکل دهنده جریان فمینیستی و به طور خاص نقد فمینیستی می‌دانند. (نوربخش، ۱۳۸۳) بی تردید نقطه اوج نهضت مدرنیسم، اظهارات ویرجینیا وولف در ۱۹۲۴ است که گفت: «در دسامبر ۱۹۱۰ یا حدود آن، شخصیت انسانی تغییر یافت.» و چنین توضیح داد که «کلیه روابط انسانی متحول شده است؛ روابط ارباب و زبردست، زن و شوهر، والدین و فرزندان. همزمان با تغییر روابط انسانی دین، رفتار، سیاست و ادبیات نیز تغییر می‌کند.» (کاندیوس و همکار، ۱۳۷۵)

## ۵- نتیجه‌گیری

نویسندگی در قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ مانند سایر زمان‌ها تحت تاثیر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است؛ در این قرن‌ها و به خصوص قرن هیجدهم که بزرگترین موفقیت یک زن، ازدواجی موفق محسوب می‌شد؛ زنانی پدیدار شدند که در مسیر ارتقا ارتباطات اجتماعی گام برداشتند. این زنان در نوشته‌های خود به دغدغه‌های جنس زن در جامعه توجه کرده‌اند و به دنبال ارتقا کیفیت سطح زندگی زنان و برابری جنس زن و مرد بوده‌اند و کوشیدند در جوامعی که جنس زن مطابق گفته ارسطو مونث می‌دانند با خاصیت نقص مهمی در کیفیت و یا با استناد به کلام سن توماس زنان، مردانی ناقص و موجوداتی تصادفی هستند به سوال پاسخ دهند که آیا زنان وجود دارند؟ اگرچه پاسخ واضحی برای این سوال در نوشته‌های نویسندگان زن قبل از انقلاب کبیر فرانسه وجود ندارد اما می‌توان رگه‌هایی از تلاش برای ایجاد جامعه‌ای برابر در در نوشته‌های آنان مشاهده کرد. پس از انقلاب فرانسه اعضا جریان فمینیسم به-طور مستقیم به دنبال تقسیم برابر قدرت جاری میان زنان و مردان بودند و توانستند به سوال فوق با فراموش کردن اینکه زنان انحرافی از طبیعت هستند؛ پاسخ دهند.

## منابع

آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۹۹۰). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی رویکردهای فمینیستی. ترجمه با نام جامعه‌شناسی زنان. (ترجمه منیژه نجم عراقی). تهران: نی  
آوستن، جین (۱۸۱۳). غرور و تعصب. (ترجمه الهام رحمانی). تهران: آتیسا





باک، پرل (۱۹۳۳). مادر. (ترجمه محمد قاضی). تهران: امیرکبیر

دلدا گراتزیا (۱۹۲۴). رقص گردنبند. (ترجمه بهمن فرزانه). تهران: مهناز

دوبووار، سیمون (۱۹۴۹). جنس دوم. (ترجمه قاسم صنعوی). تهران: توس

صابرپور، زینب (۱۳۹۳). جنس دوم به عنوان مبنایی نظری برای تحلیل فمینیستی - انتقادی گفتمان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. شماره ۱، ۵۰-۲۷.

غیبی، عبدالاحد؛ خلیلی، پروین و باوان پوری، مسعود (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی رمان‌های بین‌القصرین نجیب محفوظ و زن درهم شکسته سیمون دوبووار بر اساس نقد فمینیستی. فصلنامه علمی-پژوهشی‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. شماره ۲، ۱۰۷-۸۹.

کاندیوس، رابرت و فینک، لاریا (۱۳۷۵). نقد ادبی قرن بیستم دوره مدرنیسم. (ترجمه مینا نوایی). سوره اندیشه، شماره ۷۱. ۱۳۹-۱۳۰.

لاگروف، سلما (۱۳۷۵). باد می‌وزد. (ترجمه فرشته مولوی) تهران: مرکز

مولر، هرتا (۱۹۹۳). سرزمین گوجه‌های سبز. (ترجمه آوینا ترنم). تهران: هنر پارینه

وولف، ویرجینیا (۱۹۲۹). اتاقی از آن خود. (ترجمه صفورا نوربخش). تهران: نیلوفر

یزدخواستی، بهجت (۱۳۸۴). مروری بر افکار سیمون دوبووار. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۹

Blikrud, Liv (28 September 2014). "Sigrid Undset". Nbl.snl.no. Retrieved 11 November 2017

<http://www.impacdublinaward.ie>

<http://www.ibna.ir/vdchvinik23nzzd.tft2.html>

"Nobel Prize in Literature". Nobel Foundation. Retrieved